غالب کن ایشان را بر ایشان دشمنان   اللّهمّ منزل الکتاب سریع
الحساب اهزم الاحزاب اللّهمّ اهزمهم و زلزلهم
یعنی در صحیح و مسلم مرویست نیز از عبد الله ابن ابی اوفی رضی الله
عنه که رسول خدا در وقت محاربه دشمنان این دعا می فرمود در کشاف است
که وصف نفسه بسرعة حساب الخلایق علی کثرة عددهم و کثرة اعمالهم لیدل علی
کمال قدرته و وجوب الحذر منه روایة لیحاسب الخلق فی قدر حلب شاة و روی فی
مقدار فواق ناقة و روی فی مقدار لمحة فواق بضم و بفتح میان دو دوشیدن شیر
که ساعتی مکث نموده تا شیر فرود آرد و باز بدوشند قوله زلزلهم و بلرزان
پایهای ثبات کافران را یا از بیخ و بن بر کن دشمنان را در نهایه است الزلزال
فی الاصل الحرکة العظیمة و الازعاج الشدید و منه زلزلة الارض   و اذا
اشرف علی بلد هم الله اکبر خربت ای البلدة التی قصد
ها انّا اذا انزلنا بساحة قوم فساء صباح المنذرین
ثلث مرات   م خراب و ویران شدن از باب علم
ساحة الدار کشادگی سرای ساحات ساح جمع مانند ساعه و ساعات ساع
سوح ایضا جمع مانند بدنه و بدن یعنی در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و
ابن ماجه مرویست از انس رضی الله عنه که چون مطلع می شد رسول خدا بر قبیله
دشمنان و می دید می فرمود الله اکبر و در نسخه الت است کبر و لفظ صحیح این است
الله اکبر الله اکبر خربت ؟ ای البلده و در روایتی است خربت خیبر
خبر است در معنی دعائیه ای خراب شود یعنی آن قلعه که قصد کرده است رسول
الله آن قلعه را الحق ما وقتی که فرود می آییم در زمین قومی فبئس صباح المنذرین

بوقت صباح ای غارت جنس هم کرده شد کان با لام برای عهد است و لفظ
صباح مستعار است از صباح الجیش برای وقت نزول عذاب و چون غارت
اکثر در وقت صباح می باشد نامیده اند غارت را صباح اگر چه در وقت
دیگر واقع شود قوله ثلث مرات در صحیح مسلم فقط مرویست نیز از انس رضی
الله عنه که رسول خدا الله اکبر با قوله المنذرین سه بار می گفت   و اذا
خاف قوما اللّهمّ انا نجعلک فی نحورهم و نعوذ بک
من شرورهم   نحر بفتح نون و سکون حا سینه یقال جعلت فلانا
فی نحر العدو ای قبالته و حذاءه لیقاتل عنک و یحول بینک و بینه جعلت فی قبالته
بالنحر ای بجایهم یعنی رو برو ی او یعنی در سنن ابو داود و نسائی و صحیح ابن
حبان و مستدرک حاکم مرویست از موسی اشعری رضی الله عنه وقتی که
می ترسید رسول خدا در سفر محاربه کفار را از قوم کافران می گفت بار خدایا تحقیق
ما میگردانیم ترا در مقابل سینهای آن قوم تا دفع کنی شرهای ایشان و حایل
شوی میان ما و ایشان زیرا که لا حول و لا قوة الا بک و تخصیص ذکر نحر که پیش سینه
و محل ذبح است برای آنست که استقبال دشمنان در قتال همین نحر است یا برای
تفاؤل بنحر ایشان ای قتل ایشان و قیل المعنی نسألک ان تتولی الجهة التی
پر برون آن با تو ؟ قوله و نعوذ بک من شرورهم مانند عطف تفسیری است
فان حصرهم عدوّ اللّهمّ استر عوراتنا و آمن روعاتنا
فان اصابته جراحة فلیقل بسم الله ...
مردم و بهر چه از خوردن و دیدن آن شرم آید عورات جمع روع ترسیدن و ترسانیدن
لازم و متعدی روعة للمرة من الروع روعات جمع جرح کفد؟ خسته کردن از باب

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)